

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

۱۰/۱۲/۳۱

## سازمانها و مطبوعات مقاومت افغانستان

از کودتای ۷ ثور تا خروج عساکر شوروی از افغانستان

(۱۹۷۸ - ۱۹۸۹)

سید ولید صاعد

انجمن فرهنگی افغانستان

انتشارات بامیان

### ۳- نقش سران قومی و قبیلی در عرصه مقاومت :

سران قومی که مانند سه جنگ افغان و انگلیس میخواستند نقش عمده شانرا در خط اول جبهه انجام دهند بنا بر ایجاد سازمانهای جهادی و سیاسی در ایران و پاکستان به موانع سیاست های ایران و پاکستان روبرو شده ناگزیر وظیفه ملی شانرا در بین آوارگان مقیم پاکستان و هم در ساحه همکاری با سازمانهای جهادی انجام دادند. حد اکثر سران قومی، متنفذین محلی، فیودالها و اربابها به مجرد تجاوز نظامی شوروی به افغانستان اتحادیه های قومی شانرا در شهر پشاور پاکستان تأسیس نمودند که به تدریج به مخالفت سازمانهای جهادی و نیز عدم همکاری و مخالفت دولت پاکستان روبرو گردیده از کار اتحادیه ئی خویش دست کشیدند.

### ۴- احزاب تندرو اسلامی در عرصه مقاومت:

پیدا ست که سرکوبی های مکرر جنبش های سیاسی و آزادیخواهانه در افغانستان که از عهد امیر حبیب الله خان تا پایان جمهوریت داوود خان به وقفه ها صورت گرفت، موجب آن گردید تا هیچ حزب سیاسی مقتدر و پایداری جریان امور را در دست خود داشته باشد.

همین خلاء بود که همه نیروهای سنتی ( قومی - روحانی - و قبیلی) و نیروهای تحصیل یافته افغانستان اعم از روشنفکران انقلابی، دموکراتها، عناصر ملی، بروکراتها و تکنوکراتها که با رژیم کودتا در حال نبرد قرار داشتند، بلا فاصله پس از تهاجم شوروی به افغانستان، به پیکار های سیاسی و نظامی و فرهنگی به نحوی علیه روسیه آغاز نمودند.

چندی نگذشت که سیل آوارگان مظلوم و محروم افغانی به کشور های ایران و پاکستان جاری گردید و در این جریان هر گروه سنتی و روشنفکری به تشکیل جمعیت ها، انجمن ها و اتحادیه های قومی دست یازیدند که اندرین باب جerald شالیان مفسر سرشناس جنگهای چریکی در غرب در کتاب « جنگهای چریکی » خود در باره افغانستان تحت عنوان « جنگ چانه زدن » چنین میگوید:

« بیش از نیم درجن دستجات مختلف در درون جنبش مقاومت وجود دارد که در شهر پشاور نزدیک به مرز افغانستان استقرار یافته اند. آنها به جز از رشته سنتی، قبیله ئی منطقه ئی و خانوادگی نه ستراتژی هائی دارند، نه همسوئی و نه سازمانی... و مجاهدان بیشتر خود را با گروههای «قومی» شان هویت می بخشند...» (۳۰)

اما قابل یاد آوریست که پیش از سانحه ۷ ثور جمعی از اسلامیت هامنند: استاد ربانی، مولانا خالص، گلبدین حکمتیار، قاضی محمد امین وقاد و بعضی افراد دیگری در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) به پاکستان فرار نموده و در آنجا هسته مخالفت علنی را علیه جمهوریت محمد داوود بوجود آورده بودند. بوتهو صدر اعظم وقت پاکستان نیز بنا بر مخالفتیکه بین افغانستان و کشور پاکستان روی مسأله پشتونستان وجود دارد، با اسلامیت های افغانستان تماس گرفت « پشتیبانی و حمایت خویش را از داعیه شان اظهار نمود» (۳۱)

گروپ اسلامیت های مقیم پشاور بعد از شورش ناکام در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) در پنجشیر و لغمان و لوگر با هم اختلاف نظر یافته بین خود تعدد احزاب را به وجود آوردند، چنانکه در قدم اول قاضی وقاد، حکمتیار و خالص، حزب اسلامی را تأسیس نمودند ولی دیری نپایید که پیکره آن نیز به دو حزب اسلامی جداگانه به نام های حزب اسلامی خالص و حزب اسلامی حکمتیار منقسم گردید و آنچه مطابق نظر دوکتور حق شناس به نام « جمعیت اسلامی » باقی ماند رهبری آنرا استاد ربانی به عهده خود گرفت. (۳۲)

استاد عبدالرب رسول سیاف بعد از آنکه در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) از زندان پلچرخ کابل رهائی یافت راه پاکستان را در پیش گرفت و در آنجا چهارمین حزب اسلامی تندرو را به نام « حزب اتحاد اسلامی » تأسیس نمود. در باره اینکه اسلامیت های افغانی در پاکستان از کجا و چگونه کمک می شدند بهتر است از زبان دوکتور حق شناس نقل قول کنیم که میگوید:

« با گذشت زمان و آشکار شدن ماهیت کودتای ۷ ثور و اجیران روس در کابل، بعضی احزاب اسلامی جهان به خصوص جماعت اسلامی پاکستان و جمعیت علمای این کشور و جنبش اخوان المسلمین در کشور های عربی، متوجه مسؤولیت های اسلامی و تاریخی خود شدند... هر آنچه میتوانستند کمک کنند در اختیار همین ها قرار دادند.» (۳۳)

دولت نظامی جنرال ضیاء الحق نیز همین هفت سازمان اسلامی، یعنی سه سازمان معتدل و چهار سازمان تندرو اسلامی را در پاکستان به رسمیت شناخت و سایر تشکیلاتهای قومی، ملی، فرهنگی و روشنفکری را از حمایت مادی و سیاسی دور و در تنگنا قرار داد، تا جائیکه همه بساط خود را بر چیده از میان رفتند.

امداد مالی، نقدی و تسلیحاتی عربستان سعودی و مصر و امریکا و کمک های ملل اروپائی و اسلامی همه به وسیله « مدیریت بین خدماتی استخبارات پاکستان و رژیم ضیاء الحق » به رهبران افغانی مقیم پاکستان داده می شد تا به معه افراد نظامی افغانی به داخل افغانستان انتقال دهند.

توزیع سلاح و مهمات امدادی به طور مساوی و یکسان صورت نمی گرفت بلکه بیشترین فیصدی را حزب اسلامی حکمتیار و بعد از آن حزب اسلامی خالص و به درجه سوم جمعیت اسلامی استاد ربانی به دست می آوردند. اما عربستان سعودی که در حدود ۶۱ فیصد امداد مالی را به عهده داشت، بیشترین قسمت آنرا اتحاد اسلامی سیاف به دست میآورد.

#### ۵ - سازمانهای اسلامی اهل تشیع در عرصه مقاومت :

تقریباً "همزمان با تأسیس احزاب اسلامی افغانی در پاکستان، پیروان مذهب تشیع افغانستان که در هنگام قیام عمومی و هم علیه مهاجمان روسی به جنگ چریکی و مسلحانه پرداخته بودند، به تدریج سازمانهای زیرین را در ایران پایه گذاری نمودند:

۱ - سازمان نصر در سال ۱۹۷۹ به رهبری سید صادق مزاری

۲ - سپاه پاسداران در سال ۱۹۸۰ به رهبری حجت الاسلام شیخ اکبری

۳ - وحدت آزادی بخش در سال ۱۹۸۰ به رهبری سید مهدی هاشمی

۴ - اسلام مکتب توحید به رهبری سید اسدالله نکته دان

۵ - حزب الله در سال ۱۹۸۱

۶ - سازمان مستضعفین یا «مجاهدین خلق» در سال ۱۹۷۹

۷ - حرکت اسلامی افغانستان در سال ۱۹۷۹ به رهبری آیت الله محسنی

۸ - شورای اتفاق در سال ۱۹۷۹ به رهبری سید علی بهشتی

سازمانهای گفته شده بالا مانند سازمانهای اهل تسنن در شقاق و نفاق مستمر بودند اما بعداً بین آنها تدابیری روی دست گرفته شد تا همه اختلافات و چندگانگی رابه اتحاد و هماهنگی مبدل نمایند.

بنابراین از حاصل حرکت های وحدت طلبانه آنها در طول يك دهه، یعنی از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ (۱۹۷۹-۱۹۸۹) چنین می خوانیم :

اتحاد اول بنام «تشکیل جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی» به ترتیب زیرین بود:  
ادامه دارد

#### یادداشت:

۳۰- «دموکراسی راهی به سوی صلح و ثبات سیاسی پایدار در افغانستان»، داکتر محمد رسول رحیم، المان، سال ۱۳۷۲ - ۱۹۹۳ ص - ۱ و ۲

۳۱- «تحولات سیاسی جهاد افغانستان»، دوکتور حق شناس، جلد اول، چاپ آلمان غرب، ۱۳۶۵ - ۱۹۸۶، ص ۲۸ -

۳۲- همانجا، ص - ۲۸

۳۳ - همانجا، ص - ۲۸